زكات در آيينه قرآن و حديث‏

مهدى سلطانى‏

مقدمه‏

زكات از مصاديق بارز صدقات است كه به عنوان پشتوانه مالى برنامه‏هاى اجتماعى، در اصلاح ساختار جامعه و تطهير زندگى، تزكيه نفوس و تأليف قلوب مردم، نقش به سزايى دارد.

كثرت وجود تعابير بلند و عبرت‏آموز از قبيل بلا گردان فرد و جامعه، زمينه ساز نزول رحمت و بركت، عامل توسعه عمر و گسترش زندگى، تجارت مستقيم با خداوند، ذكر عملى و... كه در لسان آيات و روايات، عمق باور مؤمنان و عرف جامعه، در شأن اين واجب الهى، جارى و سارى است از جايگاه ويژه اين عبادت اجتماعى و ضرورت اهتمام به آن خبر مى‏دهد.

ساختار و معناى لغوى زكات‏

«زاء و كاف و حرف علّه» به عنون حروف اصلى اين كلمه، دلالت بر نماء و زيادى دارد و به مفهوم رشد و نمو كردن و زياد شدن مى‏باشد.(1)

خليل بن احمد درباره معناى لغوى زكات مى‏گويد: زكات مال به معناى پاك كردن آن است و جمله «زكا الزرع يزكو زكاء» به معناى رشد كردن كشتزار و محصولات مى‏باشد.(2)

راغب اصفهانى اصل زكات را به معناى رشدى كه از بركت خداوند به دست آمده مى‏داند.(3)

مرحوم استاد علامه طباطبايى‏رحمه الله‏مى‏نويسد: «معناى لغوى زكات تطهير مى‏باشد.»(4)

در مصباح الفقيه نيز آمده است: «زكات در لغت به معنى طهارت و نمو است.»(5)

از مجموعه اقوال فوق به دست مى‏آيد كه معناى لغوى زكات در اصل، رشد كردن مى‏باشد و به طور كلّى خلاصه چيزى يا برگزيده آن را مى‏گويند.(6)

معناى اصطلاحى زكات‏

زكات از نظر شرع - به عنوان يكى از فروع دين - بيرون كردن اندازه معينى از مال، كه به حد نصاب رسيده باشد و دادن آن به مستحقان، و بدين نام ناميدن، به اميد بركت يافتن و يا براى پاكيزه كردن نفس يا نمو دادن به خيرات و بركات است.(7)

زكات در اصطلاح فقهى پرداخت مقدار معينى از مال است كه در قرآن كريم معانى عامى دارد و به كمكهاى واجب و مستحب گفته مى‏شود.

اهميت زكات‏

روزى حضرت امام صادق‏عليه السلام‏آداب و نحوه گرفتن زكات را كه در نامه 25 نهج البلاغه آمده است، از قول حضرت امام على‏عليه السلام‏نقل مى‏كرد، در اثناى آن گريه كرد و فرمود:

«به خدا سوگند حرمتها را شكستند و به كتاب خدا و سنّت پيامبرش عمل نكردند.»(8)

در اهميت زكات همين بس كه يكى از پايه‏هاى دين مبين اسلام شمرده شده و به عنوان درمان دردهاى اقتصادى جامعه محسوب مى‏شود؛ چنان كه اگر براى عضوى از بدن كسى ناراحتى‏اى پيش بيايد او را از حركت مى‏اندازد، در جامعه نيز اگر گروهى با مشكلات مالى روبه‏رو شوند، حركت آن جامعه فلج مى‏شود.

حضرت امام رضاعليه السلام‏فرمود:

«خداوند به من نعمتهايى داده است كه دائماً نگران آن هستم تا حقوقى را كه نسبت به آنها بر من واجب كرده است، پرداخت كنم. سؤال شد: شما نيز با آن مقام بزرگى كه داريد به سبب تأخير زكات از خدا مى‏ترسيد؟ فرمود: بله.»(9)

حضرت امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«خداوند بر اين امت چيزى را سخت‏تر از زكات واجب نكرده است و هلاكت بيش‏تر امتها به علّت نپرداختن آن است.»(10)

همچنين در قرآن كريم آمده است:

«هنگامى كه صالحان به حكومت برسند، اولين برنامه آنان اقامه نماز و پرداخت زكات و امر به معروف و نهى از منكر است.»(11)

رسول خداصلى الله عليه وآله‏سوگند ياد كرد كه جز مشرك كسى در مورد پرداخت زكات خيانت نمى‏كند.(12) نيز فرمود: يا على! ده گروه از امّت من كافر مى‏شوند كه يكى از گروهها كسانى هستند كه زكات نمى‏پردازند.(13)

ايشان در آخرين خطبه خويش نيز به مردم فرمود: اى مردم! زكات اموال خود را بپردازيد و هر كه زكات نپردازد، براى او نه نمازى است و نه حجّى و نه جهادى.(14)

از نظر آن حضرت، زكات عامل از بين بردن گناهان محسوب مى‏گردد:

«الزّكاة تُذهبُ الذُّنُوب»(15)

آرى! زكات در برزخ در كنار نماز تجسّم يافته و مونس انسان مى‏شود و توجه بدان از وظايف مهم شرعى و اسلامى ماست زيرا:

1 - با پرداخت آن درهاى بهشت را به روى خود گشوده و خود را از صفت مذموم بُخل مى‏رهانيم؛(16)

2 - زكات، كليد دريافت رحمت الهى در روزى است؛(17)

3 - زكات، سير كردن فقراست و سير كردن فقرا، رمز سير بودن در قيامت و روز محشر است؛(18)

4 - زكات، مدال افتخار اسلامى بودن آدمى است كه نپرداختن آن علامت خارج شدن از مدار ايمان و اسلام است؛(19)

5 - نپرداختن زكات، خيانت به خدا و شرك است و اين گونه افراد در حكومت جهانى حضرت امام عصرعليه السلام‏به مرگ محكوم مى‏شوند؛(20)

6 - از اولين وظايف حكومت صالحان رسيدگى به فقرا در سايه پرداخت زكات است:

«الذين ان مكّناهم فى الارض أقاموا الصّلاة و آتوا الزّكاة»(21)

7 - با پرداخت زكات، سلام و صلوات پيامبر را دريافت مى‏داريم؛ چون خداوند به پيامبر فرموده: زكات مردم را بگير و بر آنها درود فرست؛(22)

8 - دريافت كننده زكات در ظاهر فقرا هستند، ولى در واقع خداوند است و اين اهميت برجسته زكات را مى‏رساند.(23)

ادلّه وجوب زكات‏

الف: آيات محكم قرآنى‏

در قرآن كريم واژه زكات به همراه مشتقاتش 59 مرتبه در 29 سوره و 56 آيه به كار رفته، كه 27 مورد در كنار نماز آمده است.

به طور كلّى آيات مربوط به زكات در قرآن شامل موارد ذيل است:

1 - دسته‏اى از آيات، اصل زكات را مطرح كرده و آن را در رديف نماز قرار داده‏اند و پرداخت زكات را مانند اقامه نماز واجب دانسته و از شعائر دينى و علايم ايمان به حساب آورده‏اند؛

2 - آياتى هستند كه به دادن زكات امر نموده و آن را به عنوان معامله با خدا قلمداد نموده‏اند؛(24)

3 - برخى از آيات نشان دهنده تشريع اصل اين فريضه عبادى و اقتصادى هستند و به طور كلى درباره اين كه چه مقدارى گرفته شود و در چه موردى گرفته نشود، ساكت مى‏باشند، كه ظهور دارد در اين كه زكات در كل اموال لازم است؛

4 - برخى از آيات، مصارف زكات را به طور دقيق شمارش نموده‏اند و رهبرى امت اسلامى بايد زكات مأخوذه را در اين مصارف به كار بيندازد؛(25)

5 - برخى از آيات كسانى را كه زكات نمى‏دهند در رديف كفار قلمداد كرده‏اند.(26)

علامه طباطبايى‏رحمه الله‏آيه «خُذ مِن اموالهم صدقة تطهرهم و تزكيهم بها...»(27) را آيه وجوب زكات دانسته و نوشته است:

«اين آيه شريفه متضمن حكم زكات مالى است، كه خود يكى از اركان شريعت و دين اسلام است؛ هم ظاهر آيه اين امر را مى‏رساند و هم اخبار بسيارى كه از طريق ائمه اهل بيت‏عليهم السلام‏و از غير ايشان نقل شده است.»(28)

ب: روايات‏

در بحث اهميّت زكات به برخى از آنها اشاره نموديم؛ از آنجا كه روايات معتبر بى‏شمارى درباره وجوب زكات از معصومان‏عليهم السلام‏نقل گرديده لازم است به برخى ديگر از آنها اشاره كنيم:

پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله:

«الزكاة قنطرة الاسلام فمن ادّاها جاز القنطرة و من منعها احتبس دونها و هى تطفى‏ء غضب الرّب.»(29)

«زكات پل اسلام است؛ هر كس آن را پرداخت كند از پل مى‏گذرد و هر كس آن را منع كند به سبب آن محبوس است و زكات خشم پروردگار را خاموش مى‏كند.»

حضرت امام صادق‏عليه السلام:

«السُّراق ثلاثة: مانع الزكوة و مستحل مهور النساء و كذلك من استدان و لم يَنوِ قضائه»(30)

«ربايندگان [اموال مردم‏] بر سه دسته‏اند: كسى كه زكات نمى‏دهد، كسى كه مهر زنان را مى‏خورد و كسى كه قرض مى‏كند و نيت پرداخت آن را ندارد.»

حضرت امام صادق‏عليه السلام:

«مَن مَنع قيراطاً مِن الزّكوة فَليَمُت ان شاء يهودياً و ان شاء نصرانياً»(31)

«كسى كه ذرّه‏اى از زكات را ندهد يا يهودى يا نصرانى مى‏ميرد.»

در كتب عامه نيز آمده است:

«زكات ركنى از اركان پنجگانه اسلام است و بر هر كس كه شرايط آن را داشته باشد، واجب عينى است و به احاديث زيادى استناد شده كه از جمله آنها قول پيامبر است كه فرمود: بنى الاسلام على خمسٍ، و سپس از جمله پنج مورد، ايتاء زكات را ذكر كرده است.»(32)

ج: اجماع‏

در اتّفاق فقها بر اين كه زكات، واجب و ضرورى است، جاى هيچ ترديدى نيست و علماى اهل سنّت نيز گفته‏اند:

«...و امّا اجماع امّت متّفقند بر اين كه زكات با شرايط مخصوص، ركنى از اركان اسلام است.»(33)

مرحوم صاحب جواهر نيز نقل كرده كه وجوب زكات يكى از ضرورياتى است كه از استدلال به آيات و روايات بى‏نياز است.

وى سپس منكر آن را در زمره كفّار شمرده و به احاديث بسيارى استدلال كرده است.(34)

زكات مخصوص دين اسلام نيست‏

زكات علاوه بر دين اسلام در اديان پيشين نيز بوده است؛ يعنى زكات به همراه نماز از مشتركات همه اديان آسمانى است و آيات بسيارى در قرآن كريم گواه اين مدعاست.(35)

با بررسى آيات و روايات در مى‏يابيم كه زكات در اسلام همانند زكات در ديگر اديان الهى نيست كه صرفاً مبتنى بر يك نوع وصيت و سفارش اخلاقى باشد؛ بدين جهت كه مردم رغبت به برّ و نيكى پيدا كنند و از بخل بپرهيزند، بلكه فريضه‏اى الهى است و بى اعتنايى به آن فسق است و منكر وجوب آن، كافر مى‏باشد.(36)

موارد زكات‏

در روايات معصومان‏عليهم السلام‏زكات بر نه چيز واجب شمرده شده است:

«يك صنف نقدينه يعنى طلا و نقره، صنف ديگر اغنام سه گانه، يعنى شتر و گاو و گوسفند؛ نوع سوم غلات چهار گانه، يعنى گندم، جو، خرما و كشمش.»(37)

از جمله آنها مى‏توان به روايت ذيل اشاره نمود. امام باقر و امام صادق‏عليهما السلام:

«فرض الله الزكوة مع الصلوة فى الاموال و سَنَّها رسول الله‏صلى الله عليه وآله‏فى تسعة اشياءٍ فى الذهب و الفضّة و الابل و البقر و الغنم و الحنطة و الشعير و الزّبيب و عفا عمّا سوى ذلك.»(38)

«خداوند زكات اموال را به همراه نماز واجب كرد و پيامبر آن را در نه چيز قرار داد: در طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و كشمش، و غير اينها را معاف كرد.»

در فتاواى مشهور فقها نيز با استناد به روايات، همين نُه چيز بيان شده است.(39)

موارد مصرف زكات‏

در بيان تعيين موارد مصرف زكات اكثر مفسّران بدين آيه استناد نموده‏اند و در اين موارد، اختلافى نيست:

«انَّما الصَّدقاتُ للفُقَراء و المَساكين و العاملين عَلَيها وَ المُؤلَّفَةِ قُلُوبُهُم وَ فى الرّقاب و الغارمين و فى سبيل الله و ابن السبيل فريضَة مِنَ الله و الله عَليمٌ حكيم»(40)

«صدقات، منحصراً در اين موارد هشت گانه به مصرف مى‏رسد:

1 - فقرا؛

2 - مساكين؛

3 - متصديان اداره صدقات و مأموران جمع‏آورى زكات؛

4 - افرادى كه به وسيله كمكهاى مالى، تمايل بيش‏ترى به اسلام پيدا مى‏كنند و تأليف قلوب در آنها به وجود مى‏آيد؛

5 - كسانى كه برده هستند و براى آزادى آنها از زكات استفاده مى‏شود؛

6 - بدهكاران؛

7 - هر امرى كه رضاى خداوند در آن باشد؛

8 - افرادى كه در راه مانده‏اند و درمانده شده‏اند.»(41)

آثار فردى زكات‏

1 - درمان بخل. پرداخت زكات آدمى را از صفت مذموم بخل مى‏رهاند. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«هر كس زكات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.»(42)

در اهميت دورى از بُخل آمده كه يكى از امامان معصوم را ديدند كه از اول شب تا صبح در حالى كه مشغول طواف خانه كعبه بود، تنها يك دعا مى‏كرد و آن اين بود كه خدايا مرا از بخل دور بدار.(43)

2 - كليد بركت و ازدياد رزق. واژه زكات و بركت به طور مساوى در قرآن ذكر شده‏اند و در روايات نيز آمده است:

«الزّكاة تزيدُ فى الرزق»

«زكات روزى انسان را زياد مى‏كند.»(44)

3 - بيمه كردن مال. امام كاظم‏عليه السلام‏فرمود:

«اموال خود را از طريق زكات بيمه كنيد.»(45)

4 - زكات دهنده محبوب‏ترين فرد نزد خداوند است. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«محبوب‏ترين فرد نزد خداوند، سخاوتمندترين آنان است و سخاوتمندترين مردم كسى است كه زكات مال خود را بدهد و از آنچه خداوند در مال او واجب نموده است، در مورد مؤمنان بخل نكند.»(46)

5 - وسيله تقرب به خداوند است. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«خداوند زكات را همراه با نماز وسيله تقرّب مسلمانان به خود قرار داده است.»(47)

6 - راه رسيدن به رحمتهاى خاص الهى است. در قرآن كريم آمده است:

«رحمت پروردگار بر هر چيزى گسترده است، ولى دريافت قطعى آن مخصوص كسانى است كه اهل تقوى و ايمان و زكات باشند.»(48)

7 - وسيله باز شدن گره‏هاست. قرآن كريم مى‏فرمايد:

«و امّا من اعطى و اتّقى و صدّق بالحسنى فسنيسره لليسرى»(49)

«هر كسى بخشش نمايد و پرهيزكار باشد و حقيقت را تصديق نمايد، ما كارهاى مشكل او را آسان مى‏كنيم.»

8 - مايه فرو نشاندن غضب الهى و كفّاره گناهان است. حضرت على‏عليه السلام‏مى‏فرمايد:

«الله، الله فى الزكاة، فانّها تطفى‏ء غضب ربكم»(50)

«شما را به خدا، شما را به خدا درباره زكات [دقت كنيد] كه به تحقيق غضب پروردگار را فرو مى‏نشاند.»

در قرآن كريم نيز آمده است: اگر نماز به پا داريد و زكات بپردازيد، من بديهاى شما را مى‏پوشانم.(51)

9 - نشانه كمال اسلام و ايمان است.

«تمامُ اسلامكم اداء الزكاة»(52)

«با اداى زكات اسلام شما كامل مى‏شود.»

«...سبعة من كنّ فيه فقد استكمل حقيقة الايمان... و ادّى زكاة ماله»(53)

«هفت صفت است كه در هر كس باشد به كمال حقيقى ايمان رسيد است... و اداى زكات مال [از آن جمله است‏].»

پيامبر اسلام به حضرت على‏عليه السلام‏فرمود:

«علامت و نشانه مؤمنان در سه چيز است: نماز، روزه و زكات.»(54)

10 - شرط رهايى از كفر است. كفار، با توبه و نماز و زكات مى‏توانند خود را برهانند:

«و ان تابوا و اقاموا الصّلوة و اتوا الزكاة فخلّوا سبيلهم»(55)

11 - سبب گشايش براى مردگان است. شخصى به امام صادق‏عليه السلام‏گفت: برادرم از دنيا رفته است و زكات زيادى به عهده‏اش بود، من آنها را پرداخت كردم، امام فرمود: «با اين عمل مشكل او بر طرف مى‏شود.»(56)

12 - سبب استجابت دعا مى‏باشد.(57)

13 - موجب قبولى نماز است.(58)

14 - مايه جاودانگى و شيرينى زندگى است.

15 - نشانه قوام و استوارى مكتب است.(59)

16 - پرداخت زكات، شكر نعمت الهى است كه زكات دهنده با پرداخت آن، اين نگرانى كه خود مثل فقرا شود را برطرف مى‏نمايد.(60)

17 - آرامش و خواب راحت را براى آدمى به ارمغان مى‏آورد.(61)

آثار اجتماعى زكات‏

1 - تقويت برادرى، تعميق روابط و كينه زدايى.

با پرداخت زكات رابطه عاطفى ميان افراد عميق‏تر شده و مفهوم آيه «انّما المومنون اخوة»(62) بهتر مورد توجه و عمل قرار مى‏گيرد. قرآن كريم مى‏فرمايد:

هرگاه مخالفان شما توبه كنند و نماز به پا دارند و زكات بپردازند، آنها هم در جامعه برادر دينى شما هستند.(63)

همچنين با پرداخت زكات، آداب دوستى هر چه بهتر و بيش‏تر مراعات شده و شعله مهر و محبت در دلها فروزان مى‏شود و اين دوستى و محبت در تعاون و يارى رساندن به يكديگر و حفاظت از دستاوردهاى جامعه اسلامى نقش مهمى دارد.

2 - تقويت بنيه دينى مردم. حضرت امام رضاعليه السلام‏فرمود:

«فلسفه پرداخت زكات، قوت فقرا و تقويت و كمك رسانى در امور دينى آنهاست.»(64)

از محل زكات جمع آورى شده مى‏توان مدارس، كتابخانه‏ها، مساجد و ساير مراكز دينى و فرهنگى را ايجاد نمود و يا آنچه را كه قبلاً احداث شده است، توسعه داد و با دعوت از كارشناسان دينى و علما و اساتيد، پايگاه علمى و اعتقادى مردم را تقويت نمود.

3 - فقر زدايى، حل مشكلات و محو نمودن مفاسد اجتماعى. يكى از راههاى مهم مبارزه با فقر، گرسنگى، كمبودها و مشكلات يا نابسامانى‏هاى اجتماعى توجه جدى به مسئله زكات مى‏باشد. اميرمؤمنان‏عليه السلام‏فرمود:

«هيچ فقيرى گرسنه نمى‏ماند مگر به سبب آنكه توانمندى حق خدا را نمى‏پردازد و خداوند در روز قيامت توانمند را به همين دليل بازخواست خواهد كرد.»(65)

امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«هيچ محتاج و گرسنه و برهنه‏اى در جامعه وجود نخواهد داشت، مگر به سبب گناهان اغنيا.»(66)

با ريشه كنى فقر از جامعه، قهراً بسيارى از مفاسد اجتماعى نيز محو خواهد شد و زمينه‏هاى وقوع سرقت، دريافت رشوه، خيانت و... از بين مى‏رود.

با پرداخت زكات سرمايه‏ها نيز تعديل مى‏گردد و ريشه كينه و فقر در جامعه خشكانده مى‏شود.

آرى! اگر مردم زكات مال خود را بپردازند، چرخهاى اقتصاد به گردش در آمده و بيكارى كه زمينه‏ساز بسيارى از مفاسد اجتماعى است از جامعه رخت بر مى‏بندد و تمام افراد بيكار شاغل مى‏گردند و از انزوا و گوشه‏گيرى، نا اميدى و بدبينى و حقارت رهايى يافته؛ تلاش، نشاط و حضور در صحنه‏ها جايگزين آنها مى‏شود.(67)

4 - دفع بلا از امّت و اقتدار امّت اسلامى. اگر كمبودها از طريق مالياتهاى اسلامى و زكات تأمين شود، افراد جامعه به يك نوع رفاه نسبى دست مى‏يابند. در نتيجه دلها نسبت به هم مهربان و نيرهاى انسانى متمركز مى‏گردند و همه پشتيبان يكديگر خواهند بود.

افراد چنين جامعه‏اى داراى صلابت و اقتدارند و در مقابل نقشه‏هاى دشمنان و تهديد و تطميع آنان بيمه خواهند بود.

همچنين جبران كمبودها از طرف پرداخت كنندگان مخلص و اجراى اين كار الهى از طريق مراجع دينى، سبب آرامش، دلگرمى و اتصال به علماى ربّانى خواهد شد كه اين امر نيز خود وسيله اقتدار و عزت اسلامى و ملى مى‏باشد.(68)

در قرآن كريم آمده است:

«و لولا دفعُ الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لكن الله ذو فضل على العالمين»(69)

در ذيل اين آيه، حضرت امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«قطعاً خداوند به خاطر كسانى از شيعيان ما كه زكات مى‏دهند، انواع بلاها و خطرات را از ساير مردم دفع مى‏كند و اگر زكات اين گروه نبود، همه يكجا نابود مى‏شدند.(70)

5 - حفظ آبرو و جذب ديگران. در بسيارى از موارد، فقر آبروى انسان را در معرض خطر قرار مى‏دهد و زكات، فقر را از بين مى‏برد و آبروى انسانها را حفظ مى‏كند.

از امام صادق‏عليه السلام‏پرسيدند: شخصى كه در خط فكرى ما نيست و از دنيا رفته و اطفال فقيرى را به جا گذاشته، آيا مى‏توانيم از زكات به آنها بدهيم؟ فرمود:

«بله، آن اطفال گرسنگانى هستند كه تقصيرى ندارند و در راه پدر منحرف خود حركت مى‏كنند و بايد آبرو و موقعيت آنان در جامعه حفظ شود و زندگى آنها تا رسيدن به حد بلوغ و رشد لازم تأمين گردد. اما اگر اين اطفال بالغ شدند و حق را فهميدند ولى با لجاجت از آن دست كشيدند، از زكات به آنها ندهيد؛ زيرا سزاوار نيست زكات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفان لجوج داده شود.»(71)

در مورد جذب ديگران از طريق زكات بايد گفت كه اسلام، مصرف زكات را براى هشت گروه لازم دانسته و يك دسته از آنان افرادى از رؤسا و سرشناسانى هستند كه اگر حمايتهاى مالى از آنان به عمل آيد، ابتدا خودشان و سپس قبيله آنان به اسلام جذب مى‏شود.

پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏نيز سهمى از زكات را به رؤساى قبايل مى‏دادند(72) و در هر زمان ولىّ امر مسلمين مى‏تواند اين كار را انجام دهد.

از همين سهم كه به نام «مؤلفة قلوبهم» در قرآن مطرح شده، مى‏توان مقدارى به مسلمانان ضعيف الايمان پرداخت كرد كه اگر به حال خود رها شوند، وسوسه‏هاى دشمنان در آنان ايجاد شك مى‏نمايد. اسلام براى پايدارى آنان در دين، مشكلات اقتصادى ايشان را حل مى‏كند.(73)

امام باقرعليه السلام‏فرمود: مراد از «مؤلفة قلوبهم» گروهى هستند كه توحيد را پذيرفته و از مدار شرك خارج شده‏اند، ولى هنوز معرفت محمّدصلى الله عليه وآله‏در قلبشان رسوخ نكرده است. پس پيامبر اسلام و بعد از آن حضرت، مؤمنان، بايد سهمى از زكات را صرف اين گونه افراد كنند تا محبت و معرفت آنان تثبيت شود.(74)

آثار ترك زكات‏

ترك كردن زكات آثار زيانبارى براى تارك آن دارد كه عبارتند از: تلف شدن اموال، خسارت دو برابر، هزينه در راه اشرار و گناه، محروم شدن از رحمت، قبول نشدن نماز و عبادات، اخراج از مسجد، هم رديفى با رباخواران.(75)

1 - تلف شدن اموال. حضرت امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«ما ضاع مال فى البرّ و لا فى البحر الا بتضييع الزّكاة»(76)

«هيچ مالى در خشكى و دريا ضايع نمى‏شود، مگر به ضايع ساختن زكات.»

2 - خسارت دو برابر. در روايتى آمده است:

«مَن مَنعَ حقّاً للّه أنفق فى باطل مثليه»(77)

«كسى كه حق خدا را نپردازد (در راه حق مال خود را صرف نكند) دو برابر آن را در راه باطل صرف خواهد كرد.»

3 - هزينه كردن در راه اشرار و گناه. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«وَ اعلَم أنّه من لم ينفق فى طاعة الله ابتلى بأن ينفق فى معصيةالله و مَن لم يمش فى حاجة ولىّ الله ابتلى بأن يمشى فى حاجة عدوّ الله.»(78)

«بدان، كسى كه مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نكند، به هزينه كردن آن در راه معصيت خداوند گرفتار مى‏شود و هر كس در حلّ مشكلات ولىّ خدا گامى بر ندارد، خداوند او را بر تلاش و حركت در راه حلّ مشكلات دشمن خدا گرفتار مى‏كند.»

4 - محروم شدن از رحمت الهى. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«كسى كه حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است كه خداوند رحمت خود را از او دريغ كند.»(79)

5 - قبول نشدن نماز. رسول خداصلى الله عليه وآله‏فرمود:

«نماز و عبادت كسى كه زكات نمى‏پردازد همچون لباس كهنه‏اى در هم پيچيده و به صورت او پرتاب مى‏شود.»(80)

امام رضاعليه السلام‏فرمود:

«خداوند نماز و زكات را [در قرآن‏] قرين يكديگر قرار داده و نماز بى زكات پذيرفته نيست.»(81)

6 - اخراج از مسجد. امام باقرعليه السلام‏فرمود:

«روزى پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏وارد مسجد شد و با جمله «قم يا فلان» پنج نفر را از مسجد اخراج كرد و فرمود: شما كه زكات نمى‏دهيد از مسجد بيرون برويد.»(82)

7 - هم رديفى با رباخواران. پرداخت نكردن زكات، خيانت، شرك و نوعى سرقت به شمار مى‏آيد؛ زيرا سه نوع سارق داريم كه يكى از آنان كسى است كه زكات نمى‏دهد.(83)

حضرت على‏عليه السلام‏فرمود:

«مانع الزكاة كآكل الرّبا»(84)

«كسى كه زكات ندهد همچون رباخوار است.»

پي نوشت :

1) معجم مقاييس اللغة، ابن فارس، ج 3، ص 16 - 17.

2) كتاب العين، ج 5، ص 394.

3) المفردات، ماده «زكو».

4) الميزان، ج 15، ص 9 ؛ ترجمه الميزان، ج 15، ص 12.

5) مصباح الفقيه، كتاب الزكوة، ص 2.

6) فرهنگ معين، ج 2، ص 1742.

7) تبيين اللغات لتبيان الايات، محمد قريب، ج 1، باب زكوة.

8) وافى، ج 10، ص 156.

9) جامع الاحاديث، ج 9، ص 42.

10) وافى، ج 10، ص 33.

11) سوره حج (22) آيه 41.

12) بحارالانوار، ج 96، ص 29.

13) همان، ص 30.

14) مستدرك‏الوسائل، ج 1، ص 507.

15) بحارالانوار، ج 79، ص 234.

16) جامع الاحاديث، ج 9، ص 53.

17) همان، ص 32.

18) همان، ص 684.

19) همان، ص 58.

20) بحارالانوار، ج 96، ص 29.

21) سوره حج (22) آيه 41.

22) سوره توبه (9) آيه 103.

23) همان، آيه 104.

24) تفسير عليا، دكتر اسماعيل منصورى لاريجانى، ص 252 - 253 ؛ به عنوان نمونه سوره احزاب (33) آيه 33 ؛ سوره مجادله (58) آيه 13.

25) منابع مالى دولت اسلامى، اسداللَّه بيات، ص 25 (بحث زكات).

26) سوره فصّلت (41) آيه 7.

27) سوره توبه (9) آيه 103.

28) الميزان، ج 9، ص 377 ؛ ترجمه الميزان، ج 9، ص 512.

29) بحارالانوار، ج 96، ص 15 ؛ امالى طوسى، ج 2، ص 136.

30) همان، ص 12.

31) همان، ص 20.

32) الفقه على المذاهب الاربعه، ج 1، ص 590.

33) الفقه على المذاهب الاربعه، ج 1، ص 589 - 590.

34) جواهر الكلام، ج 15، ص 13.

35) سوره مريم (19) آيه 31 ؛ سوره بقره (2) آيه 43 ؛ سوره بينه (98) آيه 5.

36) زكات، محسن قرائتى، ص 19 - 22.

37) الميزان، ج 9، ص 377.

38) فروع كافى، ج 3، ص 509، ح 1.

39) شرايع، ج 1، ص 107 ؛ شرح لمعه، ص 13 - 30.

40) سوره توبه (9) آيه 60.

41) تفسير الميزان، ج 9، ص 313.

42) جامع‏الاحاديث، ج 9، ص 48.

43) نورالثقلين، ج 5، ص 346.

44) جامع الاحاديث، ج 9، ص 52 و 69.

45) حصّنوا اموالكم بالزكاة.» همان، ص 49.

46) همان، ص 65.

47) همان، ص 33.

48) سوره اعراف (7) آيه 156.

49) سوره ليل (92) آيه 5 - 7.

50) وسائل الشيعه، ج 6، ص‏10.

51) سوره مائده (5) آيه 12.

52) كنزالعمال، ج 6، ص 96.

53) جامع الاحاديث، ج 9، ص 45.

54) همان، ص 35.

55) سوره توبه (9) آيه 5.

56) جامع الاحاديث، ج 9، ص 223.

57) جامع الاحاديث، ج 9، ص 53.

58) زكّوا اموالكم تقبل صلاتكم» جامع الاحاديث، ج 9، ص 29.

59) زكات، محسن قرائتى، ص 38 - 45.

60) وافى، ج 10، ص 51.

61) جامع الاحاديث، ج 9، ص 273.

62) سوره حجرات (49) آيه 9.

63) سوره توبه (9) آيه 11.

64) وافى، ج 10، ص 51.

65) سفينة البحار، ج 3، ص 474.

66) وافى، ج 10، ص 50.

67) زكات، محسن قرائتى، ص 49 - 55.

68) همان، ص 51 - 53.

69) سوره بقره (2) آيه 251.

70) جامع الاحاديث، ج 9، ص 56.

71) جامع الاحاديث، ج 9، ص 285.

72) همان، ص 24.

73) زكات، محسن قرائتى، ص 56 - 58.

74) جامع الاحاديث، ج 9، ص 242.

75) خمس و زكات، محسن قرائتى، ص 123-25؛ فروع دين (زكات)، آيةالله سيد محمد شيرازى، ص 190-193.

76) جامع الاحاديث، ج 9، ص 50.

77) وافى، ج 10، ص 42.

78) وسائل الشيعه، ج 6، ص 25.

79) جامع الاحاديث، ج 9، ص 57.

80) همان، ص 30 و 33.

81) جامع الاحاديث، ج 9، ص 30.

82) همان، ص 31.

83) تهذيب، ج 10، ص 153.

84) جامع الاحاديث، ج 9، ص 63.